

ارسال: ۱۴۰۱/۳/۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۵

10.22034/nf.2024.208167

مرزهای ایران صفوی و امپراتوری عثمانی بر اساس نقشه‌های تاریخی با تأکید بر آناتولی (آسیای صغیر)

فاطمه فریدی مجید* (عضو هیئت علمی بنیاد ایرانشناسی، تهران - ایران)

چکیده: بازسازی و مطالعه تحول و تطور مرزهای ایران عصر صفوی با امپراتوری عثمانی اهمیت بسیاری در مشخص کردن سابقه چهارصدساله گستره سیاسی ایران دارد. قدرت مهیب عثمانی و ستیزه‌جویی‌های میان دو دولت، آناتولی (آسیای صغیر)، آذربایجان و قفقاز را صحنه بیشترین درگیری‌ها ساخته بود. از همین بابت موضوع اصلی این مقاله تحولات مرزهای غربی ایران با تأکید بر آناتولی (آسیای صغیر) است. از آنجا که برآمدن صفویان با توسعه نقشه‌نگاری نوین در اروپا هم‌زمان بود، اکنون نقشه‌های تاریخی متعددی از ایران و عثمانی در دست است که می‌توان آنها را مرجعی دست اول برای بررسی جغرافیای تاریخی ایران و سرزمین‌های پیرامون در آن هنگام دانست. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تطبیقی - تحلیلی به معرفی و مطالعه نقشه‌های تاریخی می‌پردازد و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: تحولات مرزی ایران و عثمانی در عصر صفوی چه نمودی در نقشه‌های تاریخی آن عصر دارد؟ آیا تحولات مرزهای نیمه غربی ایران - به‌ویژه با آناتولی - را می‌توان در نقشه‌های تاریخی بازسازی کرد؟ براساس یافته‌ها، نقشه‌ها با توجه به ماهیت تصویری‌شان به نحوی شفاف، گویای آن‌اند که نه تنها سرزمین‌های همجوار امروز ایران با ترکیه و عراق و در خلیج فارس، غالباً و عموماً تعلق به دولت صفوی داشته‌اند، بلکه گستره وسیع قفقاز و نواحی شرقی دریاچه وان نیز به استناد نقشه‌ها بیشتر در قلمروی ایران بوده‌اند تا عثمانی. هرچند این نواحی بارها صحنه کشاکش و دست‌به‌دست شدن بین دو دولت عثمانی و صفویه بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ایران صفوی، عثمانی، مرزهای جغرافیایی، نقشه‌های تاریخی، آناتولی (آسیای صغیر)

۱ کلیات

هیچ‌یک از عوامل متعددی که برای ساخت نظریه قدرت توسط صفویه برشمرده‌اند (سیوری، ص ۳؛ میراحمدی، ص ۴۸-۶۱؛ پیگولوسکایا، ص ۴۷۷) به اندازه تشیع و فلسفه ایرانی‌شهری کاربرد نداشته است. این دو مولفه هستی‌بخش ساختار دولت جدید در هماهنگی شگفت‌انگیزی تا پیش از برآمدن صفویه در ایران شکل گرفته بود و کار صفویان تنها ایجاد هماهنگی میان آنها برای تبیین مشروعیت قدرت سیاسی بود، اقدامی که با مهارت تمام صورت گرفت و ایران امروز را باید میراث تاریخی آن دانست (مزاوی، ۱۳۸۸). به نوشته صفت‌گل «برآمدن صفویان برآیند یک رشته تکاپوهای پی‌گیر سیاسی و مذهبی بود که دست‌کم از روزگار یورش مغولان و طی فرمانروایی ایلخانان رفته‌رفته چهره‌های آشکارتر به خود می‌گرفت» (صفت‌گل ۱، ص ۷۰). مفهوم ایران در دوران صفوی ابزاری برای ایجاد نوعی هویت ملی شد. به نوشته حافظ‌نیا (ص ۲۸۲) ساختار سیاسی فضا، در جغرافیای سیاسی هر کشوری، بیانگر ماهیت و نحوه استقرار عناصر کالبدی بُعد فضایی دولت است. این عناصر که ماهیت سیاسی دارند، عبارت‌اند از کانون سیاسی، مرز و محدوده‌ها و تقسیمات سیاسی - اداری کشور. همو در جای دیگری دولت صفوی را در فراهم آوردن عناصر پیش‌گفته کاملاً موفق برآورد کرده است (حافظ‌نیا و قلی‌زاده، ص ۳-۲۸).

۲ پیشینه مطالعات

در باره تحولات مرزی ایران و عثمانی در پژوهش‌های جدید تا پیش از تألیف کتاب مرزهای غربی ایران صفوی، اثر بهروز گودرزی (۱۴۰۰)، کار مستقلی دست‌کم به زبان فارسی در دست نیست، به جز مطالبی در منابع مختلف، مانند آنچه هامرپورگشتال یا اسماعیل اوزون چارشلی در تاریخ عثمانی خود آورده‌اند که به زبان فارسی برگردانده شده‌اند. در تحقیقات غیرفارسی، کتاب جان وودز به‌طور مفصل مرزهای غربی ایران را در آستانه و ابتدای صفویه آورده است. همچنین، منابعی نیز از تحولات مرزی طرفین موجود است؛ مانند کار رودرز مرفی^۱ (گودرزی، ص ۲۶-۲۷). افزون بر کتاب‌ها شماری مقاله‌های فارسی نیز به موضوع مربوط‌اند. محمدتقی امامی خوبی درباره صلح آماسیه از دیدگاه

مورخان ایرانی و ترک تحقیقات متعددی انجام داده از جمله «بررسی عوامل تأثیرگذار در انعقاد معاهده صلح آماسیه در مرزهای غربی ایران» که چالش‌های مرزی در آن طرح شده است (مجبوری و دیگران، ص ۲۵۲-۲۷۲). جعفر آقازاده هم در مقاله «وضعیت ماکو در میانه منازعات ایران و عثمانی» تحولات مرزهای شمال‌غربی را از سقوط اصفهان تا مرگ نادرشاه دیده است.

علاوه بر این پژوهش‌ها که بر موضوع مرزهای ایران و عثمانی متمرکز است و از آنجاکه این مقاله مرزهای پیش‌گفته را در نقشه‌های تاریخی جستجو کرده، شاید بی‌راه نباشد پیشینه کوتاهی از جستارهای نقشه‌های تاریخی آورده شود؛ از جمله اطلس تاریخی ایران، اطلس نقشه‌های تاریخی خلیج فارس، تألیف کوتو (۲۰۰۶)، نقشه‌های کلی ایران (General Maps of Persia) اثر علائی، نقشه‌های خاص از ایران (Special Maps of Persia)، اطلس نقشه‌های قدیمی و تاریخی خلیج فارس، اثر محمدرضا سحاب (۲۰۰۵) و ... که بیشتر قالب اطلس جغرافیایی دارند. در کارهایی متفاوت می‌توان «نقشه‌نگاری و خلیج فارس: منظر صفوی» تألیف صفت‌گل را ذکر کرد که در آن نویسنده با اشاره به خلأ نقشه‌نگاری صفوی، نگاهی تحلیلی به موضوع نقشه (اسلامی و اروپایی) داشته، یا مقاله محمدرضا سحاب که او نیز از نگاه خلیج فارس، «نقشه و نقشه‌نگاران خلیج فارس» را به همراه تصاویری معرفی کرده است. کتاب‌های وصف خلیج فارس در برخی از نقشه‌های تاریخی، اثر گنجی و دیگران، اطلس تاریخی نقشه و تصویرهای آذربایجان، تألیف انوری، اطلس تاریخی بنادر و دریانوردی ایران، اثر وثوقی و صفت‌گل، از نمونه‌هایی است که در آنها، به نقشه‌ها به عنوان منابع تاریخی با رویکرد توصیفی در کنار استفاده از سایر منابع توجه شده است. با این حال، در غالب این تحقیقات، هرچند نقشه اساس کار است، به موضوع مرزها نپرداخته‌اند. چند مقاله دیگر نیز بی‌ارتباط با موضوع ما نیستند؛ از جمله در مقاله «جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی بر اساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان»، تألیف صفرزایی و ملازبی، جغرافیای مکران توصیف شده است. این دو نویسنده در مقاله دیگری با عنوان «نقش راه‌های ارتباطی سیستان و قندهار در مناسبات ایران و هند در دوره صفوی براساس نقشه گیوم دلیل فرانسوی»، راه‌های ارتباطی ایران به هند را بر اساس یک نقشه بررسی کرده‌اند. در مقاله «بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولناریوس»، اثر ابی‌زاده و دیگران، مقصود از نقشه تصاویر شهرهای ترسیم‌شده به دست اولناریوس است؛ اما هیچ‌یک از این آثار تمرکزشان روی مرز و نقشه توأمان نیست. در حالی که در این مقاله مرزهای غربی صرفاً براساس نقشه‌های تاریخی مطالعه شده است که کاری تازه به نظر می‌رسد.

۳ روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش نخست مبتنی بر گردآوری نقشه‌ها از مراکز آرشیوی بوده که در این بین کتابخانه ملی فرانسه در پاریس و کتابخانه کنگره آمریکا در واشنگتن دو مرجع اصلی هستند. سپس نقشه‌ها با رویکردی توصیفی-تطبیقی مطالعه شده‌اند. نظر به اهمیت و جایگاه نقشه‌های تاریخی به مثابه اسناد معتبر برای شناخت جغرافیای تاریخی و مرزها در دوره‌های گذشته، رویکرد مقاله را نمی‌توان جدید به‌شمار نیاورد. در ادامه، گزارشی کوتاه از گستره مرزهای غربی ایران بر اساس منابع و مراجع اصلی عصر صفوی چون کتب جغرافیایی یا سفرنامه‌های خارجی ارائه شده و در بخش بعدی ایالات عثمانی در آناتولی شرقی بررسی شده است. برای تطبیق بهتر گزارشی کرونولوژیک از تحولات مرزی به دست داده شد. سپس مبحث اصلی یعنی بررسی مرزهای ایران و عثمانی در نقشه‌های تاریخی آمده است. در این چهارچوب، نقشه‌هایی انتخاب شده‌اند که از نظر نقشه‌کش و جایگاه آن در تاریخ نقشه‌نگاری معتبر و ممتاز بوده و متن آن نیز شامل اطلاعات دست اول و محتوایی غنی می‌باشد. شماری از این نقشه‌ها برای نخستین بار است که در یک متن چاپی فارسی معرفی و بررسی شده‌اند. در انتها پژوهش با نتیجه‌گیری پایان پذیرفته است.

۴ گستره جغرافیایی ایران بر اساس منابع و مراجع با تأکید بر مرزهای عثمانی

در میان متون کم‌شمار جغرافیایی عهد صفوی، در کتاب هفت اقلیم امین احمد رازی (تألیف ۱۰۰۲ق) درباره ایران شرحی گویا ذیل عنوانی به همین نام وجود دارد: «مملکتی است در غایت وسعت و مشتمل بر صنوف و نعمت...» (رازی، ج ۱، ص ۸۳) و حدود ایران زمین را این چنین بیان کرده است:

... ایران زمین در وسط اقلیم سبعة افتاده. شرقی اش ولایات سند و کابل و ماوراءالنهر و خوارزم است تا حدود سقسنین و غربی اش ولایات روم و تکفور و سیس و شام و شمالی اش ولایات آس و روس و چرکس و دشت خورک که آن را دشت قبیجاق خوانند و آلان که فرنگستان را گویند و فارق میان ولایات ایران زمین قلعه اسکندر است و بحر خزر که بحر گیلان و مازندران نامند و جنوبی اش بیابان نجد است که بر راه مکه واقع شده...» (همان، ص ۸۳-۸۴).

مختصر مفید، تالیف محمد مستوفی بافقی (زنده در ۱۰۹۱ق)، رساله دیگری است که اگر گفته ایرج افشار را بپذیریم، تنها کتاب مستقل در موضوع جغرافیاست که از این روزگار می‌شناسیم، مضافاً اینکه به‌ظاهر این آخرین کتابی است که تا پیش از تالیف مرآت البلدان ناصری به منظور جغرافیای عمومی

ممالک ایران به نگارش درآمده است. او در حقیقت در تدوین مختصر مفید، ضمن بهره‌مندی از منابع متعدد، نزهة القلوب حمدالله مستوفی را به عنوان الگوی اصلی کتاب در نگارش جغرافیا بر اساس اندیشه ایرانی شهری مد نظر داشته است (مستوفی بافتی، مقدمه افشار). در این کتاب حدود ایران چنین بیان شده است: حکما و دانایان فرموده‌اند که ایران زمین در وسط معموره ربع مسکون واقع گشته و مملکتی است در غایت وسعت و نهایت مساحت، مشتمل بر صنوف نعمای الهی شرقی ایران ولایت سند و کابل و ماوراءالنهر و سیس و شام، و شمالی ولایات ارس و آس و تکس و چرکس و برطاس و دشت خورک مشهور به دشت قیچاق و آلان که فرنگستان گویند و فرق میان ایران زمین قلعه اسکندر و بحر خزر است که دریای گیلان و مازندران نامند و مولف نزهة القلوب مرقوم نموده که مملکت ایران زمین بر میان ربع مسکون است مایل به غرب؛ چنان‌که، در طول، اکثر آن از نصف غربی و اقلش از نصف شرقی است و در عرض، بیشتر آن از اقلیم سیم و چهارم و اندکی از اقلیم دیگر افتاده. طولش از قونیه روم است تا جیحون بلخ (همان، ص ۱۹).

سفر به ایران و سفرنامه‌نویسی خارجی‌ها درباره وضعیت سده‌های میانه و پیشامدرن آن از پیش از صفویان آغاز شده بود. وینچنتو دالساندری جزو اولین ایتالیایی و اروپایی‌هایی بود که بین سال‌های ۹۷۰-۹۸۲ق/۱۵۷۱-۱۵۷۴م از ایران عصر صفوی دیدن کرد. وی که در عهد طهماسب به ایران رسیده قلمروی آن را چنین توصیف کرده است:

کشوری که از آن شاه ایران است، از مشرق محدود است به هندوستان که واقع است در میان رود گنگ و سند، از مغرب به رود دجله که ایران را از بین‌النهرین جدا می‌کند و اکنون دیاربکر خوانده می‌شود و تا مرز بابل کشیده شده است و به رود فرات می‌پیوندد و سپس هر دو رود در یک بستر از بصره می‌گذرد و در سمت جنوب به خلیج فارس می‌ریزد. از شمال محدود است به دریای مازندران که دریای باکو نیز نام دارد و نیز محدود است به تاتارستان-ختای بزرگ، در کشور ایران، نواحی ذیل متعلق به شاه کنونی است: شیروان، سرزمین باستانی مادها، ارس، نزدیک ارمنستان بزرگ، خراسان، یزد، هرات، دیاربکر و گیلان که اکنون به سبب شورش مردم آن سامان دچار هرج و مرج است. کشور ایران دارای پنجاه و دو شهر است که مهم‌ترین آنها تبریز پایتخت همه مملکت است، قزوین، خراسان، نخجوان، شماخی، و دیگر شهرها را نام نمی‌برم (باربارو، ص ۴۷۲).

یکی از مشهورترین خارجی‌هایی که از ایران دیدن کرد، پیتر و دلاواله (۱۵۸۶-۱۶۵۲م) است. او در سال ۱۶۱۷م در ایران بوده است (← بهفروزی، ج ۱۸، ص ۲۹-۳۱). نکته جالب اینجاست که او «قلمروی ایران» را از محدوده‌ای دانسته که مردم به زبان فارسی سخن می‌گویند (همان، ص ۴۰).

سفرنامهٔ آدام اولناریوس (۱۶۰۳-۱۶۷۱م) یکی از مهم‌ترین منابع برای مسافران خارجی دربارهٔ ایران است و نقشهٔ ایران او از سفرنامه‌اش مهم‌تر. اولناریوس از ۱۶۳۶م به ایران رسید و حدود یک و نیم سال در این کشور ماند. او در نیمهٔ قرن هفدهم میلادی حدود قلمروی ایران را چنین بیان کرده است:

در حال حاضر از شمال تا باختر، تمام سرزمین‌هایش که بین دریای خزر و خلیج فارس یا سینوپرسیکو قرار دارد و سرزمین‌هایی که از خاور به باختر، یعنی از فرات (یا مرآت‌سو) تا مرزهای قندهار گسترده است، به امپراطوری ایران تعلق دارد. در باختر دریای خزر پهنه فرمانروایی ایرانیان تا کوهستان‌های ارمنستان کشیده شده و از نیمهٔ دریای خزر به طرف خاور تا رودخانهٔ کورکان (در قدیم اوکسوز نامیده می‌شد) نیز از آن ایران است، که بر کرانهٔ شمالی آن از یک‌ها یا تاتارهای بخارا نشسته‌اند و به شاه ایران خراج می‌پردازند (همان‌جا).

و دربارهٔ نحوهٔ ادارهٔ کشور نوشته است:

ایران امپراطوری گسترده‌ای است که به ایالات متعدد تقسیم شده است. شاه به وسیله عوامل خود یعنی خوانین، سلاطین، کلاتران، داروغگان، وزیران و کدخداهای بر این ولایت که دور از مقر اوست حکومت می‌کند (همان، ص ۳۱۶).

ژان بابتیست تاورنیه (۱۶۰۵-۱۶۸۹م) بین سال‌های ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ جمعیاً شش بار به شرق و ایران سفر کرده است. فصلی از کتاب چهارم تاورنیه «در بیان وسعت ایران و تقسیم ایالات آن» است و در آن نوشته شده است:

ایران در حالت حالیه محدود است از طرف شمال به دریای خزر، از جنوب به دریای محیط، از مشرق به ممالک مغولان کبیر (هندوستان) و از مغرب به ممالک خداوندگار ترک که دجله و فرات آنها را از یکدیگر جدا می‌کند. برای اینکه وسعت مملکت پادشاه ایران بهتر معلوم شود، می‌گوییم: علاوه بر آن، مملکتی که به‌طور اخص ایران نامیده می‌شود، این پادشاه قسمت بزرگی از آشور قدیم-ارمنستان کبیر و ممالک پارت قدیم و مد و مملکت پادشاه‌نشین لار و هرمز را با تمام قطعاتی که در مشرق ایران تا آن طرف قندهار ادامه یافته، الی مملکت سند که سرحد ممالک اوست در تصرف دارد (تاورنیه، ص ۳۵۷).

تاورنیه نیز از روی کنجکاوی و علم به اهمیت چگونگی ادارهٔ کشور، متوجه تقسیمات اداری ایران سدهٔ هفدهم، به ترتیب ایالات، شده که نواحی غربی از این قرارند:

۱. ارمنستان کبیر: میان رود ارس و سیروس قدیم که زمان تاورنیه چون امروز ارس و گُر مشهور بود، با شهرهای عمدهٔ ایروان، قارص، نخجوان، جلفا و شهر و دریاچهٔ وان؛

۲. دیاربکر که سابقاً «مزوپوتمی» می خواندند، میان دو رود دجله و فرات با شهرهای معتبر اورقا (شانلی اورفه یا اورفا منطبق با همان ژها باستانی مرکز استانی به نام شانلی اورفه در جنوب شرق ترکیه)، موصل، ماردین (امروز مرکز استان ماردین در جنوب شرقی ترکیه)؛
۳. کردستان یا آشور قدیم در ساحل دجله از دریاچه وان تا سرحد بغداد با شهرهای عمده نینوا، شریزدل، عمادیه، سنیرن (سنه = سنندج)، بتلیس (استان و شهری در شرق ترکیه)، سلماستر (سلماس آذربایجان غربی ایران)؛
۴. عراق عرب منطبق با بابل و کلده قدیم که شهرهای اصلی آن عبارت است از: فلاحیه، بغداد، شمهده علی، گورنو، بصره در ساحل شط العرب، بوروب و شهروانو و هرون آباد؛
۵. عراق عجم که پارت قدیم باشد، با شهرهای اصفهان، تویسرکان، همدان، کاشان، قم، قزوین، و شاید یزد، اگر جزو کرمان و سجستان به حساب نیاید؛
۶. ایالت ششم عبارت است از دو قسمت: یکی شیروان در طول دریای خزر با شهرهای دربند و دمیرقاپی و بادکوبه و شمالخی؛ دیگری ایالت آذربایجان که شهر تبریز و اردبیل و سلطانیه در آن است و دو قسمت با هم تقریباً مملکت مدی را تشکیل می دادند که تا ساحل دریای خزر ادامه داشت؛
۷. ایالت گیلان و مازندران در طول دریای خزر و مملکت هیرکانی قدیم عبارت از آن است با فیروزکوه، شکارآباد، میان کاله، آبه ست، ساری، فرح آباد، سیارمان، اشرف؛
۸. فارس یا فارسستان که «پرس یا ایران خالص باشد» با شهرهای آن: شیراز، کازرون، بنارون، فیروزآباد، دارابگرد، ... و ایالت کوچک لارستان که شهرهای لار و بندر گمبرون را ضمیمه آن می کنند، بندرهای این ایالت در طول خلیج فارس عبارت اند از بندرعباس و بندرلنگه؛
۹. ایالت خوزستان که شط العرب میان آن و کلده در حدفاصل قرار دارد، شهرهای معتبر آن شوشتر است و اهواز و رامهرمز (تاورنیه، ص ۳۵۷-۳۶۱).

۵ قلمروی عثمانی در آناتولی

دولت عثمانی تا اواسط سده ۱۴ میلادی مرزهای خود را در سمت شرقی گسترش داد و با تصرف نواحی تحت تسلط بیزانس کار خود را آغاز کرد و سپس امیرنشین های مستقل آناتولی را شکست داد (اوزون چارشلی ۱، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۸). نخستین رویارویی صفویان با عثمانی پس از فتح و استیلای

کامل شاه اسماعیل بر بغداد و حوالی آن در ۹۱۰ ق/ ۱۵۰۴ م رخ داد. اسماعیل فرستاده‌ای با هدایا به دربار سلطان بایزید دوم گسیل کرد و متقابلاً سلطان پیروزی او را تبریک گفت (اوزون چارشلی ۲، ج ۲، ص ۲۴۴). اما اتفاقات بعدی سرآغاز تیرگی روابط دو کشور بود؛ که از آن جمله است اقدامات تحریم‌کننده شاه اسماعیل در آناتولی در جلب نظر علویان آناتولی که به شورش‌هایی علیه عثمانی منجر شد (همان، ص ۲۴۶).

نزدیک به اوایل قرن ۱۶ میلادی، تشکیلات ایالتی عثمانی شکلی منظم و ثابت گرفت. تا این زمان آناتولی شرقی شامل ایالت‌های «ارزروم، دیاربکر، وان، ذوالقدریه» بود (همان، ص ۶۱۲). ترتیب ایالات در آناتولی براساس دانشنامه عثمانی در تاریخ ۱۶۰۹ م چنین است: (۱) آنادولو، (۲) آدانا، (۳) قرامان، (۴) سیواس، (۵) ذوالقدر، (۶) دیاربکر، (۷) ارزروم، (۸) وان، (۹) ترابوزان، (۱۰) ایلدیر و (۱۱) قارص (General Dictionary Geographique, p. 1108). در گزارش نیکلاس سانسون (۱۶۰۰-۱۶۶۷ م) در سال ۱۶۸۱ م تقسیمات کشوری عثمانی در آسیا به ۵ قسمت آناتولی، ترکمن، دیاربکر، سوریه و عربستان تقسیم شده که نواحی زیر به قلمروی آناتولی مربوط‌اند: (۱) کوتاهیه (Chiotaja)، (۲) آنقوره (Angouri)، (۳) سیواس (Siwas)، (۴) ترابوزان (Tarrabosan)، (۵) آنادولیا/آدانا (Marasch)، (۶) ملطیه (Malatiah)، (۷) قونیه (Cogni)، (۸) بورسوا، (۹) قبرس (Cizico)، (۱۰) مرمره (Marmora)، (۱۱) ازمیر (Ismar)، (۱۲) افسوس (Efsos)، (۱۳) میلت (Milet)، (۱۴) ساردس (Sardes)، (۱۵) آپانیس (Apanis)، (۱۶) هالیکارناس (Halicarnasse)، (۱۷) پترا (Patera)، (۱۸) قیصریه (Caisairiyah)، (۱۹) آماسیا (برای آگاهی بیشتر از وضعیت ایالت‌های عثمانی در آناتولی، ← *The Cambridge History of Turkey*, 3/ 157-185؛ و برای تطبیق اسامی ایالت‌ها در نقشه سانسون با اسامی ترکی و موقعیت امروزی، ← Agoston & Master, 15; Boist, 22; (Stassar, 216).

۶ گاه‌شماری تحولات مرزی ایران و عثمانی در عصر صفوی

شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ ق/ ۱۵۰۱-۱۵۲۴ م) در ۹۰۷ ق/ ۱۵۰۱ م در تبریز تاج بر سر گذاشت. نخستین واکنش‌های این اتفاق بزرگ در آناتولی رخ نمود؛ جایی که طوایف مختلف ترک گروه گروه به او پیوستند (امینی هروی، ص ۱۰۳؛ گودرزی، ص ۱۰۹) و زنگ هشدار برای عثمانی به صدا درآمد. در نتیجه، سلطان بایزید (۱۴۸۱-۱۵۱۲ م) فرمان کوچ اجباری طرفداران اسماعیل از آناتولی را صادر کرد (لطفی پاشا، ص

۲۶۴-۲۶۹؛ گودرزی، ص ۱۱۰). نهضت صفوی در آناتولی منتهی به شورش‌های خونینی شد که استانبول را در معرض تهدید قرار داد (همان، ص ۱۱۳-۱۱۴) و نبرد چالدران (۱۵۲۰ق/۱۵۱۴م) را در زمان سلطان سلیم (۱۵۱۲-۱۵۲۰م) در پی آورد. تا پیش از چالدران، آناتولی شرقی تا سیواس و بخشی از آناتولی مرکزی تعلق به صفویان داشت (فاروق سومر، ص ۴۸؛ گودرزی، ص ۱۲۰). پس از چالدران، ضمن تصرف ناپایدار آذربایجان، ارزنجان و دیاربکر از ایران جدا افتاد (گودرزی، ص ۱۲۹). قیام‌های خونین علیه عثمانی پس از چالدران نیز در آناتولی دوام داشت (اوزون چارشلی، ج ۲، ص ۳۹۷-۴۰۰) تا لشکرکشی‌های سه‌گانه سلطان سلیمان (۱۵۲۰-۱۵۶۶م) از سال ۹۴۰ق/۱۵۳۴م برای تکمیل کار سلیم اتفاق افتاد. اگر تدبیر شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۵ق) و دست موافق تقدیر نمی‌بود، شاید مرزهای غربی ایران در مواجهه با چنین جنگ‌سالار بزرگی برای همیشه دستخوش تغییر می‌شد؛ چه اینکه سلطان عثمانی وان، آذربایجان، عراق عجم و عراق عرب را از همان نخستین یورش به تصرف گرفت (طهماسب بن اسماعیل، ص ۳۴؛ گودرزی، ص ۱۴۵). اما طهماسب با سیاست زمین سوخته و جنگ و گریز تدافعی، افزون بر اینکه سرزمین‌های متصرف را پس گرفت، بر آناتولی تاخت (فلسفی، ج ۱، ص ۱۹۲). تا در نهایت، دو طرف به عهدنامه آماسیه (۱۵۵۵م) رسیدند که، تا جنگ چلدر (۹۸۶ق/۱۵۷۸م) از سوی عثمانی، سی سال صلح و ثبات مرزی را به ارمنان داشت. به موجب پیمان آماسیه، ایالت‌های آذربایجان، ارمنستان، داغستان جنوبی و گرجستان شرقی در اختیار دولت ایران قرار گرفت و گرجستان غربی، غرب ارمنستان از قارص به سوی غرب، کردستان غربی و مناطق عراق کنونی به دولت عثمانی واگذار شد (ترکمان، ص ۴۳۲). آماسیه سندی رسمی مبنی بر پذیرش تعلق آذربایجان و قفقاز به ایران و عراق عرب و آناتولی به عثمانی است (گودرزی، ص ۱۶۲). ظهور سلطان مراد سوم (۱۵۷۴-۱۵۹۵م) فصلی تازه برای تحولات مرزی در کشور بود. او تا ۹۹۲ق/۱۵۸۴م در شیروان و قفقاز بود و در سال بعد به تبریز حمله کرد (ترکمان، ص ۲۳۹). شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ق/۱۵۷۷-۱۵۸۷م) توان ایستادگی نداشت و در نتیجه، ترک‌ها تا جایی که ممکن می‌نمود در خاک ایران پیش رفتند. شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ق/۱۵۷۱-۱۶۲۹م) در صلح تحمیلی استانبول (۹۹۸ق/۱۵۹۰م) هنوز جوان بود، نه آن پادشاه بزرگی که پشت عثمانی را به خاک کشید. به این ترتیب، حاکمیت عثمانی بر تبریز، قراچه‌داغ، گنجه، قره‌باغ، شیروان، گرجستان و حتی نهاوند و لرستان تحمیل شد و این نواحی از کف ایران، براساس اولین سند مکتوب مرزی موجود به نام «سنورنامه»، موقتاً بیرون رفت (گودرزی، ص ۱۷۷-۱۷۹، ۱۸۵).

از بخت بلند ایران، عباس بزرگ‌ترین شاه صفوی از کار درآمد و پس از ۱۹ سال تبریز را به مام وطن بازگردانید (ترکمان، ج ۲، ص ۶۳۸-۶۴۲؛ گودرزی، ص ۱۹۰-۱۹۱). او در ۱۰۱۵ق/۱۶۰۶م قفقاز را از وجود عسگریه عثمانی پاک و سپس پیروزمندانه بغداد و بصره را در ۱۰۳۲ق/۱۶۲۳م پس از نود سال، آزاد کرد. وقتی این شاه بزرگ رخ در نقاب خاک کشید، جز دیاربکر، ارزنجان، ارزروم و وان که در اختیار عثمانی باقی ماند، قلمروی غربی ایران به پیش از پیمان آماسیه بازگشت (گودرزی، ص ۲۱۵-۲۱۶). اما ستیزه‌جویی‌های طرفین را گویی پایانی نمی‌بود. سلطان مراد چهارم (۱۶۲۳-۱۶۴۰م) در عهد شاه‌صفی (۱۶۲۹-۱۶۴۲م) تا سال ۱۰۳۹ق خود را به همدان رساند و در ۱۰۴۴ق ایروان را گرفت، اما در ۱۰۴۸ق در دایره محاصره طولانی بغداد و به‌رغم قساوت‌های بسیار سپاه عثمانی، ناکام ماند (پارسادوست، ص ۴۶). در نتیجه، دو کشور تن به عهدنامه ذهاب (۱۰۴۹ق/۱۶۴۰م) دادند که بر اساس آن عراق عرب و نیز سرتاسر منطقه شهرزور (Scherazur) و دشت ذهاب در زمره قلمرو حکومت عثمانی قرار گرفت و در مقابل، مالکیت ایران بر مریوان و اورامان به رسمیت شناخته شد (لارودی، ص ۹۸-۱۰۱). نتیجه این معاهده ایجاد مرزهایی بود که تا پایان امپراتوری صفوی و نیز تا روزگار ما، غیر از بخش شمالی آن، که با پیروزی تزارهای روس در قرن دوازدهم قمری وضعیتی تازه پیدا کرد، برقرار است. طرفین، این قرارداد را محترم شمردند و پس از آن، جنگ مهمی بین ایران و عثمانی پدید نیامد. این قرارداد از آن لحاظ اهمیت دارد که با وجود درگیری‌های مرزی در دوره نادرشاه و کریم‌خان، مبنای تمام قراردادهای آینده مرزی با عثمانی همین قرارداد ذهاب (قصر شیرین) بوده است (محمدی بزرگر و اصائلو، ص ۱۴۶).

۷ مرزهای غربی ایران براساس نقشه‌های تاریخی

اکنون که مستند شد براساس منابع فراوانی متعلق به سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی، ایران هویت سیاسی مستقلی داشته و با مرزهای مشخصی از سرزمین‌های همجوار متمایز بوده است، می‌توان درک بهتری از مطالعه نقشه‌های جغرافیایی همان دوره داشت. برای تبیین دقیق‌تر، این پژوهش بر نقشه‌هایی متمرکز بوده که گستره پهناورتری از ایران صفوی را نمایش داده‌اند. این رویکرد برای بیان هویت سیاسی ایران و مرزهای آن با سرزمین‌های مجاور، تصویر گویاتری را ارائه خواهد کرد و از این بابت، تحقیق پیش رو در مقایسه با تحقیقات پیشین در زمینه مطالعه نقشه‌های ایران که بیشتر کانون توجه پژوهشگران بوده تازگی دارد.

نخستین نقشه، گستره فتوحات تیمورگورکانی را در بخش مورد مطالعه ما نمایش داده که عنوان آن نقشه سفر تیمور به عراق عجم، عراق عرب، کردستان و آناتولی^۱ است. این نقشه را فرانسیسکو پتیس د لا کرویسی^۲ (۱۶۲۲-۱۶۹۵م) در قرن ۱۷، در تاریخ و مکانی نامشخص چاپ کرده است. زبان آن فرانسوی با ابعاد ۱۷ در ۲۴ سانت است (Bibliothèque nationale de France, website). نقشه موقعیت پیش از برآمدن صفویان را نمایش داده و چنانچه مشخص است نه نامی از عثمانی هست و نه ایران که عموماً در نقشه‌کشی اروپا طبق سنت یونانی بدان عنوان «پرشیا»، برابر با گستره ایران بزرگ و نه فقط ایالت تاریخی فارس، اطلاق می‌شده است. طبق نقشه، نواحی ترسیم‌شده با نام‌های منطقه‌ای خود دیده می‌شوند. آناتولی روم (ROUM ANATOLIE)، منطق با شرق ترکیه امروز است.



نقشه سفر تیمور فرانسیسکو پتیس د لا کرویسی، قرن هفدهم

مینگرلی (MINGERLIE) در شمال باختر، جمهوری گرجستان کنونی، در ساحل دریای سیاه، و در جنوب آن، ارمنستان (ARMENIE)، شمال کشور عراق، کردستان تقریباً جای اقلیم خودمختار قرار دارد. گرجستان (GEORGIE) در کرانه شمال خاوری دریای خزر (MER CASPIEN) ترسیم شده است. آران در شمال رود ارس، منطق با جمهوری آذربایجان، قرار گرفته و در جنوب آن آذربایجان نمودار است. نواحی غرب و مرکز ایران ایالت وسیع عراق عجم است و جنوب عراق، عراق عرب.

1. CARTE des Expedition de Tamerlan dans L IRAC AGEMI IRAC ARABI COURDISTAN ANATOLIE

2 . F. Pétis de La Croix

در دومین نقشه که ترسیم واقعیت جغرافیایی زمان خود است، هر دو قلمرو عثمانی و پرشیا، منطبق با ایران، نمایش داده شده که ورود دو قدرت تأثیرگذار سده ۱۶ در این بخش جهان را نشان می‌دهد. بیشتر پژوهشگران تاریخ ایران با نقشه مشهور پرشیا یا قلمروی صفوی (PERSICI SIVE SOPHORVM REGNI TYPVS) آبراهام اورتلیوس^۱ (۱۵۲۷-۱۵۹۸م) چاپ ۱۵۷۰ آنتورپ آشنا هستند (Sahab & ... , 1/ Turcici Imperii). همین نقشه‌نگار نقشه دیگری با عنوان توصیف امپراتوری ترک (descriptio) دارد که باید آن را مکمل نقشه ایران در نمایش سرتاسر آسیای غربی و شمال افریقا دانست. نقشه عثمانی اورتلیوس نیز در همان سال ۹۷۷ق/۱۵۷۰م ترسیم شده و در آنتورپ چاپ شده است. جغرافی دان و محقق فلاندری، آبراهام اورتلیوس، اولین نسخه اطلس نقشه‌های جغرافیایی خود با نام نمایش جهان (Theatrum orbis terrarum) را در سال ۱۵۷۰ منتشر کرد. نقشه پیش رو برگه از اطلسی شامل ۵۳ نقشه است که هر کدام تفسیر مفصلی در حاشیه دارد. این اولین اطلس واقعی به معنای امروزی به‌شمار می‌رفت: کتابی صحافی شده از صفحات نقشه و متن همراه آن که به‌طور خاص برای نمایش یکنواخت و کامل تهیه شده است. بیش از ۷۳۰۰ نسخه از اطلس در قالب ۳۱ کتاب، بین سال‌های ۱۵۷۰ تا ۱۶۱۲م، به زبان‌های مختلف - از جمله فرانسوی، هلندی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، لاتین و اسپانیایی - منتشر شد که نشان‌دهنده میزان اهمیت آن در زمان خود است.



۱. نقشه امپراتوری ترک اورتلیوس، ۱۵۷۰، چاپ آنتورپ

نقشه ۲ مربوط به اورتلیوس است. اورتلیوس از حدود سال ۱۵۶۰ شروع به تهیه نقشه‌های خود کرد.

1. Abraham Ortelius

در نقشه ۲ (که در سال ۱۵۷۰ ترسیم شده) امپراتوری ترکیه از آسیای غربی و شمال آفریقا و مصر در غرب تا دریای خزر در شرق گسترش یافته و تمام شبه جزیره، شمال دریای مدیترانه از ترکیه تا ایتالیا را در بر گرفته است. این نقشه بر اساس نقشه ۱۵۶۷ م اورتلیوس از آسیاست، اما جزئیات بیشتری دارد. نقشه وی از نقشه عربستان (II Disegno della Seconda Parte dell'Asia) جیاکومو گاستالدی^۱ (۱۵۰۰-۱۵۷۸ م) در ۱۵۶۱ الهام گرفته است. در متن سند، توصیفی از پادشاهی اورموس (هرمز کنونی) ارائه شده است. برچسب‌های دیگر نیز اطلاعات روز را می‌رسانند، مانند کارتوش عنوان، که حاوی عبارت «هماهنگی باعث رشد چیزها می‌شود، اختلاف، بزرگ‌ترین تباهی را به بار می‌آورد»^۲ است. برخی از خطوط ساحلی نسبتاً دقیق هستند. اگرچه شکل خلیج فارس تحریف شده است، این نقشه شناخته‌شده‌ترین نقشه در بین تمام نقشه‌های قرن ۱۶ امپراتوری عثمانی است (Library of Congress, website).

نقشه‌های اورتلیوس مقارن با دوره شاه طهماسب (۱۵۱۴-۱۵۷۶) ترسیم شده‌اند و آنها را باید نخستین نمونه‌های نقشه‌نگاری جدید دانست که از این بخش جهان ترسیم شده‌اند؛ به این معنا که از قرار نقشه قدیمی‌تری از کارتوگرافی اروپایی که دقت نقشه اورتلیوس را داشته باشند، در دست نداریم. نقشه‌های کهن‌تر، مانند کارهای جیاکومو گاستالدی یا جرارد جود^۳ (۱۵۰۱-۱۵۹۱) و همچنین جیرولامو روسلی^۴ (۱۵۰۴-۱۵۶۶) پیرو سنت نقشه‌کشی بطلمیوسی تهیه شده و فاقد اعتبار برای مطالعه مرزهای ایران عصر صفوی هستند.

برای آن بخش از ایران که در نقشه پیداست، عنوان «بخشی از پرشیا (ایران) که امروزه توسط صوفیان اداره می‌شود»^۵ خوشنویسی شده و گویای هویت سیاسی مستقل آن در برابر عثمانی است. با استناد به نقشه امپراتوری ترک اورتلیوس و مقایسه تطبیقی آن با نقشه پرشیا (ایران)، نیمه شرقی قفقاز متعلق به ایران بوده است. همچنین ماد (ME DIA) بزرگ منطبق با آذربایجان با تبریز (tauris) و نواحی مرکزی ایران تعلق به صفویه دارد. مفهوم ناآشنای سرچ (SARCH) در محدوده کردستان و کرمانشاه زیر سلطه و بالای

1. Giacomo Gastaldi
2. "Concordia parue res crescent, Discordia maxime dilabuntur"
3. Gerard Jode
4. Giralmo Ruscelli
5. "Regni Persiae pars, quod hodie a sophis gubernatur"

سنه (سنندج) (Sanfon)، که اربل (Erbel) را در همان نزدیکی می‌توان تشخیص داد جزو ایران است. اندکی پایین‌تر شهر شوش (Sus) و شوشتر (Suftra) و آبادان که همه در خاک ایران نموده شده‌اند. خلیج فارس با اسامی دریای قطیف و خلیج فارس (MARE ELCATIF SINVS PERSICVS) نمایانده شده است و به استناد نقشه، جزیره‌های بحرین (Baharem)، خارک (Carge)، لارک (Lac)، قشم (Quetome)، تب (Tome) و هرموز (Ormus) تماماً گستره ایران را نشان می‌دهند.



۲. نقشه امپراتوری ترک از هوندیوس، ۱۶۰۰

نقشه دو نایغه تاریخ نقشه‌نگاری جراردوس مرکاتور^۱ (۱۵۱۲-۱۵۹۴م) و یوکودیوس هوندیوس^۲ (۱۵۶۳-۱۶۱۲) با عنوان نقشه امپراتوری ترک‌ها (Turcici Imperii Imago)، قلمروی عثمانی و قسمت‌های غربی ایران را در نیمه سلطنت شاه‌عباس (۱۵۷۱-۱۶۲۹) نشان داده است. کتابخانه کنگره آمریکا تاریخ آن را ۱۶۰۰م ثبت کرده و اطلاعات زیر را بدان افزوده است:

این نقشه حدود امپراتوری عثمانی را در اوایل قرن هفدهم نشان می‌دهد و شامل جزئیات سرزمین‌های عثمانی در آسیا، آفریقا و اروپا، ایران، ماوراء قفقاز، اتیوپی و دیگر سرزمین‌های اطراف است. ویژگی‌های عارضه‌نگاشتی، نام مکان‌ها و جمعیت‌ها به طور قطعی مشخص شده‌اند، اگرچه نامگذاری آن زمان به طور قابل توجهی با اسامی امروزی متفاوت است؛ برای مثال دریای سرخ را

-
1. Gerhard Mercator
 2. Jodocus Hondius

دریای مکه و خلیج فارس را دریای القطف نامیده است. این نقشه گاهی اوقات به عنوان بخشی از اطلس جهان شناخته شده است که به همت هوندیوس و به دنبال کار جرارد مرکاتور تهیه شده است. از حروف کج و از اشکال هندسی و سایه برای نشان دادن رشته کوهها و کرانه‌های دریایی استفاده شده است. کارتوش عنوان نیز نشان می‌دهد که هوندیوس نقشه خود را بر اساس طرح‌ریزی مرکاتور بنا کرده است. خود این کارتوش به خاطر پرتره کوتاه خود با عنوان "Sultan Mahumet Turcorum Imperat" (سلطان محمد امپراتور ترک‌ها) مورد توجه باشد که احتمالاً به سلطان محمد دوم (۱۴۳۲-۱۴۳۲) معروف به محمد فاتح اشاره دارد (Library of Congress, website).

ایران با نام «سرزمین حکومت پارس» (PERSICI REGNY PARS) از قلمروی عثمانی کاملاً متمایز است. این تمایز با رنگ بنفش برای نمایش قلمروی عثمانی برجسته شده است. طبق این سند قرن ۱۷، نیمه شرقی قفقاز جنوبی از گرجستان و ارمنستان، شهرهای دربند (Darbant)، شماخی (Simiachi) و شروان (Chirva) متعلق به عثمانی نیست. حتی دو دریاچه وان و ارومیه (AḅBIMAR) در خاک ایران قرار دارند. ماد بزرگ شامل آذربایجان و نواحی غربی و مرکزی ایران با کهن شهر تبریز در داخل قلمروی صفویه نشان داده شده‌اند. همچنین سرچ شاید منطبق با آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاه و ایالت غربی ایران است و سلماس و احتمالاً صحنه (Sarenh) در نقشه قابل تشخیص هستند. همچنین شوشتر و شوش و آبادان شهرهای مهم نوار مرز غربی ایران‌اند. در خلیج فارس با نام دریای قطف (Mare Elcatif) به نحوی مشخص جزیره‌های ایرانی معلوم‌اند. تمام جزیره‌های کرانه شمالی دریا و در جنوب بحرین نیز متعلق به ایران است.



۳. نقشه ایران، ارمنستان و آناتولی د ویت، ۱۶۶۶، آمستردام

نقشه جدید ایران، ارمنستان، آناتولی و عربستان (NOVA PERSIÆ ARMENIÆ NATOLIÆ et ARABIÆ) در حدود سال ۱۶۶۶ از سوی ناشر و نقشه‌فروش هلندی، فردریک د ویت^۱ (۱۶۳۰-۱۷۰۶)، در آمستردام، منتشر شد. این نقشه مناطقی از ترکیه و مصر کنونی گرفته تا افغانستان و شبه جزیره عربستان، دریای سرخ، رود نیل، قبرس، آسیای صغیر، خلیج عدن، ارمنستان و دریای خزر را پوشش می‌دهد. در خصوص دریا و اقیانوس هند، برخلاف بسیاری از نقشه‌های عتیقه منطقه، اطلاعات جغرافیایی زیادی در سراسر شبه جزیره عربستان نشان داده شده است، از جمله مکان شهرها، شهرک‌ها، رودخانه‌ها و رشته‌کوه‌ها. جزئیات این نقشه را می‌توان به نقشه عربستان^۲ نیکلاس سانسون^۳ در سال ۱۶۵۴ نسبت داد که یکی از بزرگ‌ترین و دقیق‌ترین نقشه‌های منطقه در زمان خود

1. Frederick de Wit
2. Carte des Trois Arabies
3. N. Sanson

بوده است. کارتوش عنوان تزینی شامل چندین شخصیت و حیوانات عجیب و غریب و یک کشتی تجاری با قایقش است. دی ویت در گودا متولد شد و به آمستردام نقل مکان کرد و در آنجا مغازه خود را در کارول اشتات (Kalverstraat) راه انداخت. آثار او شامل اطلس‌های دریا و جهان، نقشه‌های دیواری و کتاب‌های شهر شامل نقشه‌های شهرهای هلند و اروپایی بود. مدتی پس از سال ۱۶۷۴، او صفحات مسی کتاب‌های شهر را از یوهانس یانسونیوس و ژان بلائو به دست آورد. در سال ۱۶۸۸، او از دولت وقت هلند این امتیاز را گرفت که نقشه‌های خود را منتشر کند. نقشه‌های دیویتی در سراسر اروپا متقاضی داشت و تا سال ۱۷۶۳ از سوی شرکت یوهانس کاونز و کورنیل مورتیه فروخته می‌شد. این نقشه به زبان فرانسوی و با ابعاد ۳۹ در ۵۴ سانتیمتر است^۱ و در کتابخانه کنگره آمریکا (Library of Congress) نگهداری می‌شود. (<http://hdl.loc.gov/loc.gmd/g7430.ct004264>)

در این نقشه که زمان اوج گسترش سرزمین عثمانی را نمایش داده است، نوارهای رنگی محدوده‌های مرزی را معلوم کرده‌اند. شروان در قفقاز محل جدایی پرشیا (ایران) از عثمانی است. ایران با عنوان پرشیا دارای هویت مستقل سرزمینی است. آذربایجان با دریاچه ارومیه و شهرهای مهم تبریز، اردبیل (Arderil) و سلماس در شمال باختری ایران را از آناتولی جدا کرده‌اند. در جنوب دریاچه ارومیه، کردستان منطبق با استان کردستان کنونی ایران قرار دارد که می‌توان سنه (سنندج) را در آن تشخیص داد. در جنوب و شرق کردستان ایالت بزرگ عراق عجم (YERACK AGEMI) واقع شده که باید آن را در برابر عراق عرب یا عراق یا کلد (CHALDE) قدیم دید که طبق نقشه در قلمروی عثمانی است. در جنوب باختری ایالت ایرانی خوزستان (CHUSISTAN) با شهرهای قدیمی قرقوب (Cercub) و شوشتر دیده می‌شود.

خلیج فارس با همین اسم یا دریای قطیف ثبت است. با توجه به اینکه نوار مرزی رنگی هم در شمال هم در جنوب دریا امتداد دارد، تعلق‌های مرزی شمال و جنوب دریا به روشنی در نقشه معلوم نیست. گویا بحرین جزوی از ایران است.

نقشه‌های ایران و عثمانی و آسیای یوهان بابتیست هومان^۲ (۱۶۳۳-۱۷۲۴م) در ایران‌شناسی اهمیت زیادی

۱. ۲۵ میلیمتر روی نقشه برابر یک مایل آلمانی است.

دارد. یوهان بابتیست هومان در ایالت باواریا در آلمان متولد شد و کارهای نقشه‌کشی خود را در نورمبرگ دنبال کرد و در همان شهر درگذشت. در سال ۱۷۰۲ او یک کارگاه تولید نقشه دایر کرد. از سال ۱۷۱۵ جغرافیدان سلطنتی امپراتوری مقدس روم، مجارستان، کرواسی و اتریش، چارلز ششم^۱ (۱۶۸۵-۱۷۴۰) بود و به عضویت آکادمی علوم پروس (Prussian Academy of Sciences)، تاسیس سال ۱۷۰۰م در برلین درآمد. وی مؤلف چندین کتاب اطلس نقشه‌های جغرافیایی است. نقشه آسیای او با عنوان آسیای اخیر (Asiae recentissima delineatio) که سال ۱۷۰۰، در نورمبرگ چاپ شد، با ابعاد ۴۸ در ۵۷ سانتی‌متر، به زبان آلمانی است و در کتابخانه کنگره آمریکا نگهداری می‌شود، (Library of Congress: <http://hdl.loc.gov/loc/gmd/g7400.ct002024>) سند قابل‌اعتنایی برای مفهوم کشور و مرزهای ایران است. در این نقشه ایران به رنگ بنفش و با نام حکومت پرشیا (ایران) از امپراتوری عثمانی (IMPERIUM TURCICUM) و عربستان که اولی آبی و دومی زرد رنگ هستند تمایز یافته است. همچنین قلمروی پهناور ازبکان (TARTARIA) با رنگ سبز و امپراتوری مغولان هند (MOGOLIS IMPERIA) با رنگ زرد سرزمین‌های مجاور ایران در شمال خاوری و خاور هستند. به این معنا پرشیا (ایران)، در سده ۱۷، طبق این سند جغرافیایی، کشوری با مفهوم مستقل در آسیا بود. رنگ آمیزی این کشورها نوار مرزی آنها را به راحتی قابل تشخیص کرده است. باختر ایران از شمال رو به جنوب با شیروان آغاز شده، بتلیس (Bithlis) که امروز در آناتولی ترکیه قرار گرفته در قلمروی ایران نشان داده شده و همچنین دریاچه ارومیه. کردستان به دو بخش ایرانی و عثمانی تقسیم یافته و قرار گرفتن سلماس در خاک ایران شاهدهی است بر اینکه استان آذربایجان غربی و کردستان امروز به ایران تعلق دارد. لرستان (LAURESTAN) و خوزستان (CHUSISTAN) ایالت‌های مرزهای غربی ایران هستند. خلیج فارس (SINUS PERSICUS) منطبق با خلیج فارس و دریای عمان مرزهای جنوبی ایران است که نقشه قلمروی ایران را به نوار ساحلی و جزیره‌های شمالی این دریا محدود کرده است.

1. Charles VI



۴. نقشه آسیای هومان، ۱۷۱۲م، نورمبرگ

هومان که نقشه‌کش پرکاری بود و نقشه‌هایش ارزش زیادی دارند، در نقشه امپراتوری پرشیا (ایران) به نمایش ایالت‌های پرشیا در سال ۱۷۱۵م پرداخت. عنوان پرشیا در این نقشه امپراتوری است و این نشان می‌دهد که در ابتدای قرن ۱۸ ایران از مفهوم سیاسی شناخته‌شده‌ای در قوای عثمانی، که آن نیز پیشوند امپراتوری داشته، برخوردار بوده است. نقشه در زمان شاه سلطان حسین ترسیم شده و در شناخت تقسیمات کشوری صفویه پراهمیت به نظر می‌رسد؛ چون به استناد آن می‌توان آشنفتگی‌های متون آن دوران درباره چگونگی تقسیم‌بندی ایالات را تا اندازه زیادی برطرف کرد. این نقشه به زبان لاتین و با ابعاد ۵۷/۵ در ۴۹ سانتی‌متر، در نورمبرگ چاپ شده است. بر اساس عنوان نقشه، هومان در تکمیل اطلاعات خود از سفرنامه‌های اولناریوس و تاورنیه استفاده کرده و این تنها نقشه ایرانی است که از وی به جای مانده است. مهم اینکه در کارگاه نقشه‌کشی هومان چند نقشه از دریای کاسپی و نقشه‌ای نیز از ایالت گیلان ترسیم شده است. این سند جغرافیایی در شمار نخستین نقشه‌هایی است که دریای کاسپی را با موقعیت درست جغرافیایی خود نشان می‌دهد. هومان در رسم دریای خزر از نقشه کارل خداوردن (۱۷۱۹-۱۷۲۰) سود برده است (Alaei 2, p. 147; The History of Cartography: v 6, p. 7-8). عنوان نقشه امپراتوری ایران و ایالت‌های آن و با مقیاس ۱:۶۰۰۵۰۰۰ در واحدهای طول آلمانی و ایرانی است. یک نسخه از این نقشه در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس نگهداری می‌شود و نسخه دیگری که در این مقاله از تصویر آن بهره گرفته شده در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است.

ایالت‌ها و نواحی غربی پرشیا (ایران) از شمال تا جنوب در ابتدای سده ۱۸ میلادی عبارت‌اند از:

۱. گرجستان ایبریا (GERGIA IBERIA)
 ۲. ارمنستان
 ۳. منطقه قراباغ اران (KARABAGH IRAN)
 ۴. ماد و آذربایجان
 ۵. بخشی از کردستان که بخش دیگر آن در قلمروی عثمانی است. میانه (Miana) که در کردستان نموده شده متعلق به ایران است، شهرزور به عثمانی تعلق داشته و دریاچه ارومیه (Rumi lac) هم در خاک ایران قرار دارد.
 ۶. ایالت لرستان که تماماً در قلمروی ایران جانمایی شده است.
 ۷. خوزستان
 ۸. و بحرین بری و بحری، منطبق با بخش نواری وسیعی از ساحل جنوبی دریا با عنوان بحرین تعلق به ایران دارد.
- خلیج فارس با نام‌های خلیج فارس و خلیج بصره (SINUS PERSICUS GOLFE di BASSORA) در نقشه دیده می‌شود.
- دریاچه وان، و نواحی پیرامون آن چون بتلیس بیرون از قلمروی ایران نموده شده‌اند. به این ترتیب، آناتولی به ایران تعلق ندارد.



۵. نقشه امپراتوری پرشیا (ایران) هومان، ۱۷۱۵، نورمبرگ

۸ نتیجه‌گیری

منابع و متون متنوع عصر صفوی از کتاب‌های تاریخ تا رساله‌های جغرافیایی، تذکره‌های اداری و نامه‌ها و اسناد روابط خارجی و فرمان‌های داخلی و سفرنامه‌های خارجی گواهی است متقن و مستند بر احیا یا ایجاد مفهوم سیاسی ایران در آن دوران؛ به این معنا که صفویان موفق شدند کشوری با مرزهای جغرافیایی مشخص و هویت سیاسی معلوم بنیاد نهند که ایران نامیده می‌شد. این کشور نزد اروپایی‌ها، بنا به سابقه دیرین، همان پرشیای مصطلح در یونان و روم خوانده شد. ولی نزد آنها هرگز پرشیا با ایالت تاریخی پارس یکی نبود؛ بلکه پرشیا منطبق با سرتاسر ایران و در قامت یک کشور یا امپراتوری بود. این مهم را می‌توان از عنوان نقشه‌ها دریافت که غالباً با الفاظ حکومت، قلمرو، امپراتوری و نظایر آن همراه است.

نقشه‌های جغرافیایی تاریخی، به سبب ماهیت تصویری و گویایی که دارند، ضمن اعتبار سندی، تصویری روشن و دقیق از گستره ایران در آن سده‌ها ارائه کرده‌اند. جای بسی خوشبختی است که صفویان هم‌زمان با برآمدن نقشه‌نگاری مدرن در اروپا هستند و در نتیجه شمار نسبتاً فراوانی نقشه جغرافیایی از سده‌های پانزدهم تا هجدهم در دست است که ایران و سرزمین‌های پیرامون آن را نمایش می‌دهند و بنابراین، اسناد مناسبی برای بررسی مرزهای ایران آن دوره در اختیار است. در این پژوهش نقشه‌هایی استفاده شده است که گستره ایران و عثمانی را در یک قاب کشیده‌اند.

مستند به شش نقشه جغرافیایی این پژوهش، که ارزش سندی بیشتری دارند، مرزهای ایران در تقابل با عثمانی دچار تحولات زیادی شده است. این نقشه‌ها نشان داده‌اند که ایالت‌های گرجستان و ارمنستان در قفقاز و آناتولی و آذربایجان حالیه، صحنه بیشترین چالش بوده‌اند. منطقه شروان یا قراباغ بعدی از این رقابت اندکی دورتر مانده و بیشتر سهم ایران بوده است. اما گاه سیاست توسعه سرزمینی باعالی تا آذربایجان را نیز از ایران گرفته است. در مقابل، ایران نیز در برخی نقشه‌ها تا آناتولی در شرق و دریاچه وان و عراق عرب با شهر بغداد یا بصره پیشروی داشته است. کردستان وضعیتی متفاوت داشت؛ و به دو قسمت عثمانی و ایرانی تقسیم شده بود. وضعیتی شبیه کردستان امروز و اقلیم خودمختار در عراق. اما لرستان و خوزستان همواره ایرانی باقی ماندند و هیچ‌یک از نقشه‌ها این دو ایالت را سهم عثمانی ندانسته‌اند. در خلیج فارس، همواره جزیره‌های شمال دریا

متعلق به ایران است و حتی در نقشه ۱۷۱۵ هومان نوار ساحلی جنوب خلیج فارس نیز تعلق به ایران دارد. ضمن اینکه جزیره‌های نیمه شمالی دریا نیز در تمامی نقشه‌ها به رنگ خاک ایران نمایش داده شده‌اند.

در پایان می‌توان با استناد به نقشه‌های جغرافیایی نتیجه گرفت:

- در عصر صفوی ایران هویت سیاسی معلوم و ایالت‌ها و مرزهای سیاسی مشخص داشت، که ایرانیان آن را ایران می‌خواندند و در نقشه‌های اروپایی پرشیا خوانده می‌شد.
- مرزهای غربی ایران در رقابت و کشمکش با عثمانی دستخوش تغییر و تحول بود، اما شروان، آذربایجان، کردستان، لرستان و خوزستان و جزیره‌های خلیج فارس، همواره تعلق سرزمینی به ایران داشتند و چنانچه توسط عثمانی تصرف می‌شدند، این تصرف، تجاوز بود، نه تملک. مشابه این وضعیت وقتی ایران در آناتولی یا عراق عرب حضور داشت نیز تعمیم‌پذیر است؛ چه اینکه شمار نقشه‌هایی که نیمه غربی ایران را به عثمانی داده‌اند کمتر است؛ همچنین نقشه‌هایی که عراق عرب را از آن ایران دانسته‌اند؛ اما شمار نقشه‌هایی که شرق دریاچه وان و بتلیس را متعلق به ایران دانسته‌اند اندک نیست. این مهم نشان از پیوستگی‌های سرزمینی شرق آناتولی با آذربایجان ایران دارد که هم‌اکنون نمودهای آشکار آن را می‌توان در زبان و فرهنگ جست.

منابع

- آقازاده، جعفر، «وضعیت ناحیه ماکو در میانه منازعات ایران و عثمانی (از سقوط اصفهان تا مرگ نادرشاه)»، پژوهش‌های تاریخی، س ۳، ش ۱۳، مهر ۱۴۰۰، ص ۷۳-۹۰.
- ابی‌زاده، سامان و محمدتقی پیربابایی و احد نژادابراهیمی، «بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولناریوس»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۴، ش ۴، ۱۳۹۸، ص ۷۱-۸۲.
- اطلس تاریخی ایران، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۰.
- امامی خویی، محمدتقی، «صلح ایران از دیدگاه مورخان»، نشریه مطالعات و تحقیقات تاریخی، ش ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۹-۳۲.
- امینی هروی، امیرصدرالدین ابراهیم، فتوحات شاهی، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۲.
- انوری، امیرهوشنگ، اطلس تاریخی نقشه‌ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، ندای تاریخ، تهران ۱۳۹۴.

- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی ۱، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، جلد ۱، کیهان، تهران ۱۳۶۸.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی ۲، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، جلد ۲، کیهان، تهران ۱۳۶۹.
- باربارو، جوزافا، سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، خوارزمی، تهران ۱۳۸۱.
- بهر روزی، محمود، «دلاواله»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۹۲، ص ۲۹-۳۱.
- پارسادوست، منوچهر، ریشه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۹.
- پورگشتال، هامر، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به کوشش جمشید کیانفر، جلد ۲، زرین، تهران ۱۳۷۶.
- پیگولوسکایا، ن. و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، پیام، تهران ۱۳۵۳.
- تاورنیه، جان بابتست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، کتابفروشی تألیف - کتابخانه سنایی، بی جا ۱۳۵۱.
- ترکمان، اسکندریگ، عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، ۲ جلد، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۲.
- حافظ نیا، محمدرضا، جغرافیای سیاسی ایران، سمت، تهران ۱۳۸۱.
- حافظ نیا، محمدرضا و ولی قلی زاده، علی، «دولت صفوی و هویت ایرانی»، مطالعات ملی، ش ۴ (۳۲)، ۱۳۸۶، ص ۳-۲۸.
- رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، تصحیح و تعلیق سیدمحمد رضا طاهری، ۳ جلد، سروش، تهران ۱۳۷۸.
- سحاب، محمدرضا، «نقشه و نقشه نگاران خلیج فارس»، تاریخ، ویژه نامه خلیج فارس، شماره پیاپی ۵، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱-۲۱۵.
- سومر، فاروق، نقش ترکان آناتولی در تشکیل دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی خوبی، گستره، تهران ۱۳۷۱.
- سیوری، راجر (۱۳۶۶)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، سحر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۶.
- صفت گل، منصور ۱، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری، رسا، تهران ۱۳۸۱.
- صفت گل، منصور ۲، «نقشه‌نگاری و خلیج فارس منظر صفوی»، تاریخ، ویژه نامه خلیج فارس، ش ۵، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵-۲۳۰.
- صفرزایی، عبدالله و یاسر ملازی، «جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی براساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان»، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۱۳، ش ۲، شماره پیاپی ۲۶، ۱۴۰۰، ص ۹۶-۱۱۸.
- صفرزایی، عبدالله و یاسر ملازی، نقش راه‌های ارتباطی سیستان و قندهار در مناسبات ایران و هند در دوره صفوی (براساس نقشه گیوم دلیل فرانسوی)، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۶، ش ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۳۴۲-۳۶۹.
- طهماسب بن اسماعیل (بی تا)، تذکره شاه طهماسب، شرق، تهران.

- فسایی، حسن حسینی، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۲.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس، دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران ۱۳۵۳.
- گودرزی، بهروز، مرزهای غربی ایران صفوی، نگارستان اندیشه، تهران ۱۴۰۰.
- لارودی، زندگانی نادرشاه پسر شمشیر، ایران زمین، تهران ۱۳۷۰.
- لطفی پاشا، تواریخ آل عثمان، مطبعه عامره، استانبول ۱۳۴۱.
- مجربی، حسن و محمدتقی امامی خوبی و ابوالفضل رضوی، «بررسی عوامل تاثیرگذار در انعقاد صلح آماسیه در مرزهای غربی»، پژوهشنامه مطالعات مرزی، س ۶، ش ۲، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۵۲-۲۷۳.
- محمدی بزرگر، جعفر و علی اصانلو، «بررسی مناقشه‌های مرزی ایران در دوره صفوی با عثمانیان»، علوم و فنون، س ۵، ش ۳، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- مزاوی، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، گستره، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۸.
- مستوفی بافتی، محمد مفید، مختصر مفید، به کوشش ایرج افشار، موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۹۶.
- میراحمدی، مریم، تاریخ تحولات ایران‌شناسی در دوران اسلامی، طهوری، تهران ۱۳۹۵.
- وثوقی، محمدباقر و منصور صفت‌گل، اطلس تاریخی بنادر و دریانوردی ایران، سه جلد، سازمان بنادر و دریانوردی، تهران ۱۳۹۶.

- Agoston, Gabor & Bruce Master, *Encyclopedia of the Ottoman Empire*, Library of Congress, New York 2009.
- Alaci, Syrus (2005), *General Maps of Persia 1477- 1925*, Leiden & Boston: Brill.
- Alaci, Syrus (2010), *Especial Maps of Persia 1477- 1925*, Leiden & Boston: Brill.
- Boiste, Pierre C. V, *Universal Dictionary of the French Language*, Drsray; slamoglu, Inan Huri, Paris 1803.
- Couto, Dejanirah & Jean - Louis Bacque - Gramont & Mahmoud Taleqhani, *Historical Atlas of the Persian Gulf*, Brepols Oublisher, Belgium 2006.
- General Dictionary Geographique, Historique et Critique* (1768) vol. Q- S, Paris: Chez Les Libraires Associes; Nicolle, David, *Historical Atlas of the Islamic World*, Mercury Books, London 2004.
- Murphey, Jan: *European Cartographers and Transfers in Early Ottoman Imperial Strategy*, Contribution by M. Pinarremiralioglu, Thorintal Institute Museum of the University of Chicago, 2007.
- Sahab, Mohammad-Reza, et al, *Persian Gulf Atlas and Historical Maps*, Center for Document & Diplomatic History, Tehran 2005.
- Stassart, Gosvin J. A, *Elementary Abstract of Geography, Ancient and Modern*, Bernard, Paris 1804.
- Woods, Jhon E: *Aqqyunlu Clan, Confederation, Empire*. Bibliotheca, Minneapolis and Chicago 1976.